

نقش نهادها و ارگانهای حکومتی در فاجعه معدن کاران یورت

معدن زغال سنگ زمستان یورت در شهرستان آزادشهر استان گلستان در ۱۳ اردیبهشت شاهد انفجاری مرگبار بود از زیر آوارهای این معدن تا به امروز ۴۴ معدن کار بیرون کشیده شده است و همچنین در این انفجار ۷۵ نفر مصدوم شده اند. ۲۳ درصد سهام معدن زمستان یورت متعلق به صندوق مهر اقتصاد ایرانیان (وابسته به بسیج مستضعفین) و ۱۰ درصد متعلق به شرکت های تکادو و احیا سپاهان است و بقیه سهام آن نیز میان سایر سهامداران که از بازنشستگان معادن زغال سنگ منطقه هستند تقسیم شده است. هیات مدیره این معدن توسط سهامداران اصلی تعیین شده که ۳ نفر توسط صندوق مهر اقتصاد ایرانیان، یک نفر توسط شرکت تکادو و یک نفر توسط شرکت احیا سپاهان به عنوان اعضا هیات مدیره تعیین شده اند، یعنی عملاً مدیریت این معدن توسط صندوق مهر اقتصاد ایرانیان، تکادو و احیا سپاهان انجام می شده است و سهامداران بازنشسته این معدن هیچ نقشی در مدیریت این معدن نداشتند.

برادر یکی از کارگران جانباخته در معدن آزادشهر اعلام کرد: «از لحاظ ایمنی هیچگونه ایمنی نداشتند و حتی باتری چراغ کلام خود و دیگر وسایل ایمنی اولیه را خود تهیه می کردند و بیشتر کلاه های ایمنی موجود برای ورود به تونل شکسته و فرسوده بود.» حتی در گوشه و کنار بعضی از رسانه ها اعلام شد که قبل از این انفجار، این تونل دو بار ریزش داشته است.

ریبعی وزیر کار در رابطه با بازرسی انجام شده از این معدن اعلام کرد: «بازرسان کار نیم ساعت قبل از حادثه از محل معدن بازدید کرده بودند اما بی احتیاطی موجب وقوع این حادثه شده است.» محمدرضا نعمت زاده وزیر صنعت و معدن هم در مورد ایمن بودن معدن گفتند: «با وجود اینکه معدن شرایط خیلی مناسبی نداشته، اما مشکل خاصی هم نداشته و اتفاق رخ داده ناشی از یک اشتباه بوده است.» و از روز انفجار و جانباختن ۴۴ معدن کار، وزرای کار و صنعت دستور داده اند که کمیته هایی برای حل مشکلات و دلیل انفجار و... تشکیل شود و به صورت مشخص کمیته ای تشکیل شد که وظیفه آن پیگیری مطالبات حقوقی کارگران معدن زمستان یورت و خانواده های بازمانده را انجام خواهد داد. آنها اعلام کردند که تمام تلاش خود را خواهیم کرد که تکلیف پرداخت معوقات مزدی جاری و پرداخت نشده این کارگران را روشن کنند.

کارگران این معدن از سال ۱۳۹۳ با عدم پرداخت چندین ماهه حقوق و مزایای سختی کار، بیمه های فصلی، نداشتن امنیت شغلی و کمبود تجهیزات کاری و ایمنی روبرو بودند و در سال های گذشته به خاطر عدم دریافت حقوق خود چندین نوبت دست به اعتصاب زده بودن و تا قبل از انفجار هیچ مسئول دولتی و غیر دولتی پاسخگوی آنان نشده بود.

بعد از جان باختن ۴۴ معدن کار موج سرازیر شدن صاحبان قدرت و ثروت به معدن زمستان یورت شروع می شود و معدن کاران به طرح خواسته های خود با دولتی ها پرداختن ولی با همه مشکلاتی که معدن کاران داشتند، رسانه های وابسته به دولت اعتراضات کارگران معدن را به نام نیروهای با لباس مبدل تعریف کردند که به قصد تشویش فضای حضور روحانی در معدن زغال سنگ زمستان یورت آزادشهر به آن محل آمده بودند.

در زمان بازدید حسن روحانی از معدن آزادشهر، یک کارگر معدن می گوید: «آقای رئیس جمهور، تا الان کجا بودید؟ آیا خودتان با ماهی یک میلیون تومان می توانید زندگی کنید؟ ۲۲ سال در معدن کار کردیم، آقای روحانی، شما می دانید معدنچی یعنی چی؟! ۱۷۰ بچه بی پدر شدند. ۴۰ زن بیوه شدند. چند سال پیش آمدیم فرمانداری و اعتراض کردیم که ماه هاست حقوق نگرفته ایم. با زن و بچه آمدیم اما مسئولان رسیدگی نکردند. ۲۰ میلیون از این شرکت طلب دارم اما ۱۰ هزار تومان ندارم که فرزندم را دکتر ببرم. معدنچیان ۲۵ سال در معدن کار می کنند و بعد از ۲۵ سال که بازنشسته می شوند تنها یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان حقوق بازنشستگی می گیرند. ۱۷۰۰ متر در کوه بدون تهویه کار می کنیم.»

چنانکه در آتش سوزی ساختمان پلاسکو تقصیرات را به گردن چند نفر از کارکنان آن ساختمان انداختند و حتی از تحقیق و تفحص نقش شهرداری در مجلس جلوگیری کردند، اکنون همان خواب را برای معدن زمستان یورت دیده اند و مقصر را معدن کاران اعلام کرده اند. اینها حتی دلیل زلزله در شهرهای ایران را در حجاب زنان ایران می دانند!

قطعا وجود فساد گسترده و عظیم سیاسی و اقتصادی در لایه های مختلف حاکمیت یکی از دلایلی است که منجر به این حادثه گشت که البته هیچوقت نقش آن در امنیت کاری مزدگیران ایران به روشنی مشخص نخواهد شد. با توجه به نقش پررنگ نهادهای نظامی و حکومتی در این سوانح حاکمیت باز هم بی مسئولیتی و ضعف مدیران خود را در پشت رسانه های وابسته پنهان کرد که البته حامیان مزدگیران در فضای مجازی به افشای این نقش پنهان پرداختند و ۱۳ اردیبهشت را تبدیل به یک «سوک ملی» کردند.

معدن کاران یورت زمستانی آزادشهر آن انتخابات با گرسنگی آغاز شد این انتخابات با مرگ تمام شد!



به مناسبت جانباختن کارگران معدن یورت آزاد شهر

ظهر روز سیزدهم اردیبهشت شاهد وقوع فاجعه ای انسانی در معدن زمستان یورت بودیم. در این روز بر اثر ریزش معدن حدود ۶۰ کارگری که در اعماق ۸۰۰ متری کار میکردند، محبوس شدند و شمار بسیارشان جانباختند... شواهد تماما حاکی از اینست که همه چیز از قبل قابل پیش بینی بوده است. کارگران قبلا نسبت به این خطر هشدار داده بودند، ساختمان این معدن غیر استاندارد و مسیر یکطرفه آن خطر آفرین بوده است، اما هر بار که کارگران خطر را یادآور شده اند، به جای رفع خطر جواب صاحبان سودجوی معدن تهدید به اخراج بوده است. بدین ترتیب کارگران این معدن قربانی سودجویی این حریصان مال و ثروت شده اند.



قربانی توحش و بربریت استثمار و سودجویی سیری ناپذیر سرمایه شده اند. بر همه کارگران معدن زمستان یورت، خانواده های جانباختگان این فاجعه انسان، و بر ما کارگران و همگان مسبب این فاجعه انسانی شناخته شده و آشکارند. یک خواست طبیعی و فوری معرفی و محاکمه آنان است... نباید اجازه دهیم که مثنی سرمایه دار این چنین با زندگی و هست و نیست ما بازی کنند... ۱۳ اردیبهشت را در تقویم خود ثبت کنیم. ۱۳ اردیبهشت روز گرامیداشت یاد جانباختگان معدن زمستان یورت و پیگیری امنیت محیط های کاری ماست. ما میتوانیم جلوی تکرار چنین فجایعی را بگیریم. باید کاری کنیم. بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و کودک

اجداد تشکل های کارگری تنها راهکار ممانعت از بروز حوادث در محیط های کارگری است

یک فعال کارگری میگوید اگر کارگران بتوانند آزادانه، نهادهای تشکل های مستقل ایجاد کنند و در آنها فعالیت داشته باشند، از حوادث اینچنینی جلوگیری می شود. یدالله صمدی (فعال کارگری)؛ ضمن ابراز تاسف از بروز حادثه معدن یورت و مرگ دلخراش بیش از بیست معدنچی، یکی از ابزارهای جلوگیری از فجایع کارگری، تشکل یابی است. در خیلی از کشورهای جهان، بحث نظارت بر ایمنی به خصوص در بخش خصوصی به تشکل های کارگری سپرده می شود و یا حداقل تشکل های کارگری بر عملکرد بازرسان ایمنی و حفاظت کار، نظارت دارند. اگر کارگران یورت حق اعتراض داشتند و می توانستند نسبت به حقوق معوقه خود و همچنین نالیمن بودن محیط کار اعتراض کنند و این اعتراض شنیده می شد، حادثه دلخراش انفجار رخ نمی داد؛ اگر این معدنکاران تشکل قدرتمند داشتند، کارفرما هرگز نمی توانست نسبت به رعایت اصول ایمنی قصور بورزد و کارگران را به راحتی به تیغ مرگ بسپارد. هم قانون کار و هم مقاله نامه های ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کار، تکلیف را روشن کرده و حق اعتراض در قانون به رسمیت شناخته شده. اگر این متون صریح قانونی اجرا شوند و سودجویی ها و طمع ورزی ها مانع اتحاد کارگران نشود، ارزش جان نیروی کار افزایش خواهد یافت.

برای یک بار در تاریخ ۳۸ ساله جمهوری اسلامی مشکل بازنشستگان را ریشه ای حل کنید

پیام کمپین حمایت از بازنشستگان به روحانی؛ همسان سازی بازنشستگان به بدترین شکل ممکن اجرایی شده و فقط نام همسان سازی را با خود یدک می کشد و حقوق اکثر بازنشستگان هنوز هم زیر خطر زنده ماندن است و وعده های مسئولین همه پوچ بوده، این مسئله واقعا برای این قشر مظلوم جامعه قابل تحمل نیست. مشکل بازنشستگان در حال تبدیل شدن به بحران است. بارها خواسته ایم و باز هم از شما می خواهیم، تدبیری به خرج دهید.

دستیابی به مطالبات صنفی بزرگترین خواست جنبش مزدگیران است

تا زمانیکه طبقه کارگر ایران وارد فرایند «خود پیدا کردن اجتماعی» نشوند و به «خود آگاهی اجتماعی و طبقاتی» خود باور پیدا نکنند، نمی‌توانند وارد فرایند «سازمان‌گری شکل مستقل طبقاتی» بشوند.

اعتراض کارگران شرکت کشتی سازی بحرگستر

روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۹۶ صدها تن از کارگران شرکت کشتی سازی بحرگستر هرمز در بندرعباس در اعتراض به پرداخت نشدن دو ماه حقوق خود تجمع کردند. کارگران که تعداد آنها بیش از ۴۰۰ نفر بود درباره تجمع اعتراضی خود گفتند: در حال حاضر حدود ۷۰۰ کارگر از طریق شرکت بحرگستر هرمز در پروژه‌های کشتی‌سازی در استان هرمزگان مشغول کارند اما در عین حال هنوز بابت دو ماه معوقات مزدی پرداخت نشده طلبکارند.

تجمع کارگران تولید کننده شیرآلات گاز گداختار اراک

شرایط واحدهای تولیدی استان مرکزی به گونه ای بود که در سال های اخیر بارها شاهد تجمعات کارگری (هیپکو، واگن پارس، آونگان، کمبیا ساز و ...) در سطح اراک بوده ایم. امروز هم تعدادی از کارگران شرکت صنایع شیرآلات گاز گداختار اراک با تجمع در مقابل استانداری مرکزی خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شدند. یکی از کارگران تجمع کننده گفت: کارگران این شرکت ۶، ۷ و ۸ ماه حقوق دریافت نکرده اند و همچنین بیمه کلیه کارگران ۸ ماه و بیمه تکمیلی کارگران یکسال پرداخت نشده است. کارگران این شرکت حداقل حقوق (زیر یک میلیون تومان) را دریافت می کنند. حتی این میزان هم به صورت ۲۰۰ هزار تومان، ۲۰۰ هزار تومان پرداخت می شود. سوال ما از مسئولین استان این است که شما با این حداقل حقوق و پرداخت ۲۰۰ هزار تومانی می توانید زندگی خود را اداره کنید. این شرکت بیش از ۱۲۰ نفر کارگر دارد، تعدادی از این کارگران اخراج شده اند. کارگران این شرکت امنیت شغلی ندارند. کارگران این شرکت ماهانه قرار داد دارند و این موضوع باعث شده است که کارگران با دلهره به سرکار بیایند. مدیر شرکت به بهانه پرداخت حقوق و عیدی کارگران به اسم هر یک از کارگران مبلغ ۳۰ میلیون تومان وام دریافت کرده است و همه کارگران به صورت زنجیره ای ضامن یکدیگر هستند و به دلیل پرداخت نشدن اقساط وام ها هر روز برایمان پیامک پرداخت نکردن اقساط ارسال می شود.



کلاه زردها مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تجمع کردند

حدود دویست نفر از اپراتورهای پست های فشار قوی برق سراسر کشور به تهران آمدند و در مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تجمعی اعتراضی برپا کردند. خواسته تجمع کنندگان، تغییر وضعیت و تصویب طرح کارگر دائم توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور است. کلاه زردها می‌گویند: پیرو پیگیری‌های مداوم همکاران طی ماه های گذشته در خصوص طرح‌های در دستور کار و وعده های مکرر مسئولین وزارت نیرو در خصوص ترمیم حقوقی و بهبود یافتن وضعیت موجود، اما نه تنها این وضعیت ترمیم نیافته؛ جلسات مکرری طی روزهای گذشته به صورت محرمانه در وزارت نیرو در حال انجام جهت و اگذاری پست های فشار قوی فوق توزیع به شرکت های توزیع است. اپراتورهای پست های فشار قوی برق بارها پیش از این نیز به تهران آمده‌اند و در مقابل نهادهای مربوطه تجمع برگزار کردند.

تجمع کارگران قرارداد موقت جایگاه‌های سوخت برای دومین بار

جمعی از کارگران قرارداد موقت جایگاه‌های سوخت کشور مقابل شرکت ملی پالایش نفت تجمع کردند. تجمع کنندگان که از کارگران قرارداد موقت جایگاه‌های سوخت هستند، می‌گویند پس از خصوصی‌سازی و واگذاری جایگاه‌ها به بخش خصوصی، بیکار شده‌ایم. تجمع کنندگان از نمایندگان مجلس و وزیر نفت خواستند که به وضعیت اشتغال آنها رسیدگی شود. یکی از تجمع کنندگان گفت: سال‌ها سابقه کار دارم اما اکنون ماه‌ها است که بیکارم و هیچ نهادی هم پاسخگوی وضعیت نابسامان ما نیست. این کارگران در چند روز گذشته نیز در مقابل وزارت نفت تجمع کرده بودند.

دومین تجمع کارگران سهام دار معدن کرومیت اسفندقمه



جمعی از کارگران سهام دار کارخانه معدن کرومیت اسفندقمه که از کارگران شاغل، بازنشسته و اخراج شده این واحد تولیدی هستند برای دومین بار با تجمع مقابل ساختمان اداره کل بازرسی استان کرمان خواستار رسیدگی به مشکل مربوط به دریافت سود سهام این شرکت شدند. این گروه از کارگران که صاحب ۳۲ درصد از سهام این واحد معدنی هستند، گفتند: صندوق بازنشستگی فولاد و شرکت صنعتی معدنی امیر که به ترتیب صاحب ۵۱ و ۱۷ درصد از سهام این واحد معدنی را دارند، در خصوص گزارش سالانه و توزیع سود سهام شفاف عمل نمی‌کند.

بازنشستگان و کارگران سهام دار معدن کرومیت اسفندقمه در سال ۷۱ بیش از ۶۵۰ کارگر معدنی مشغول کار بودند (و یکی از بزرگترین معدن کرومیت کشور است) که از سوی وزارت صنعت و معدن دولت وقت بین صندوق بازنشستگی فولاد و شرکت صنعتی معدنی امیر تقسیم شد. معترضین خواهان شفاف سازی از روند توزیع سود سهام و گزارشهای سالانه هستند و تاکید دارند که خرید و فروش سهام این معدن و تغییرات مدیریتی آن بدون در نظر گرفتن میزان سهم آنان عملی غیر قانونی است.

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی فرو آلیاژ از نا مقابل کارخانه

حدود ۵۰ نفر از کارگران اخراجی فرو آلیاژ از نا دست به تجمع مقابل کارخانه زدند. یکی از کارگران حاضر در بنابر این بنا شد که حدود ۵۰ شغل جدید در این راستا ایجاد شود. با این وجود نه تنها استخدام جدیدی در این کارخانه شاهد نبوده‌ایم، بلکه بخشی از کارگران قسمت‌های دیگر کارخانه اخراج شده و عده‌ایی از آنها را به اجبار برای کار در بخش جدید در نظر گرفته‌اند. شرکت صنایع فروآلیاژ ایران با حدود ۵۵۰ کارگر به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکننده فروسیلیسیم و یکی از فعالترین کارخانجات استان لرستان است. این شرکت فعالیت خود را از سال ۷۲ با هدف تولید فروسیلیسیم به عنوان یکی از اصلیترین مواد اولیه استراتژیک صنایع فولاد و چدن است، آغاز کرد و سالیانه با ۶۰ هزار تن تولید، تأمین کننده مواد اولیه کارخانجات داخل و خارج از کشور است. این واحد صنعتی تا سال ۸۱ در اختیار بخش دولتی و بعد از آن در اختیار بخش خصوصی قرار گرفت.

کارگران فولاد الماس ۴ ماه مزد و عیدی پرداخت نشده طلبکارند

کارگران کارخانه «فولاد الماس» تاکستان در استان قزوین بابت ۴ ماه دستمزد و عیدی سال ۹۵ از کارفرمای خود طلبکارند. این



کارگران که تعداد آنها تا حدود ۴۵ نفر است در توضیح این طلب وصول نشده گفتند که مطالبات مزدی آنان مربوط به سه ماهه مهر، آبان و اسفند ۹۵ به همراه دستمزد فروردین ماه سال جاری می‌شود. همچنین کارفرما به دلیل کمبود نقدینگی نیمی از عیدی سال ۹۶ آنان را پرداخت نکرده است. یکی از کارگران شاغل با یادآوری اینکه به دلیل کمبود منابع مالی و سایر مشکلات مدیریتی، چند سال گذشته برای آنها با چالش‌هایی همراه بوده است؛ افزود: کارفرما پیش از تعطیلات نوروز به ما وعده داد که بعد از تعطیلات معوقات ما

پرداخت می‌شود ولی نه تنها دستمزد را نپرداخت بلکه مابقی عیدی ما هم واریز نشد. سوابق کاری هر یک از کارگران به صورت میانگین به ۱۵ سال می‌رسد، در عین حال جدا از معوقات مزدی ۴ ماه گذشته، سنوات سالهای ۹۴ و ۹۵ به همراه حدود ۱۰ ماه حق بیمه کارگران به تعویق افتاده و خبری از پرداخت آن نیست.

اعتراض کارگران کارخانه کاشی نیلوی اصفهان به عدم دریافت مطالبات معوقه

جمعی از کارگران کارخانه کاشی نیلوی اصفهان که چندمین ماه است دستمزد و حقوقی دریافت نکرده‌اند امروز در مقابل استاندار



اصفهان تجمع کردند. این کارگران با در دست داشتن پلاکارد و بنرهایی خواستار پرداخت مطالبات چندین ماهه خود شدند. کارخانه نیلوی درگیر مشکلاتی است که ریشه آن از دوران «خصوصی‌سازی» آغاز شده و به «رکود» رسیده است. امروز برای چندمین بار است که کارگران کارخانه کاشی نیلوی اصفهان که مدت‌هاست با مشکل مالی روبرو است و حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده در مقابل استانداری اصفهان تجمع می‌کنند. کارگران کارخانه کاشی نیلوی از یک سال پیش تا کنون بارها در مقابل فرمانداری نجف آباد و استانداری اصفهان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شده‌اند.

جلوگیری از ترخیص کوله برها در بیمارستان ارومیه به دلیل عدم پرداخت هزینه های درمانی!

زمستان گذشته بر اثر تیراندازی ماموران مرزی دو کولهبر سردشتی زخمی و روانه بیمارستان ارومیه شدند اما تاکنون به علت عدم توانایی در پرداخت هزینه های درمان، به آنها اجازه ترخیص داده نمی شود. مدیران بیمارستان به خانواده این دو کولهبر گفته اند؛ بیمارانی که بر اثر اصابت گلوله از سوی نیروهای نظامی ایران مجروح و نیاز به درمان داشته باشند، مشمول طرح تحول سلامت نمی شوند. کولهبر بهمن توفیقی اهل روستای گاکه از توابع سردشت، ۱۵ اسفند ۹۵، در اطراف روستای بیتوش مورد اصابت گلوله نیروهای مرزی ایران قرار گرفت و به علت شدت جراحات از ناحیه شکم به بیمارستان امام ارومیه منتقل شد. خانواده توفیقی گفتند: به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه های بیمارستان، اجازه ترخیص فرزند خود را ندارند. عثمان احمدی دیگر کولهبر مرزی اهل روستای دوله سردشت ۱۳ بهمن ۹۵ بر اثر تیراندازی ماموران مرزی ایران زخمی و هم اکنون در بیمارستان امام ارومیه بستری می باشد. خانواده احمدی گفتند: یکی از پاهای عثمان به دلیل جراحات وارده و تاخیر در درمان وی از کار افتاده و تا حالا هزینه ترخیص او به بیش از ۶۰ میلیون تومان رسیده و ما توانایی پرداخت این مبلغ را نداریم. خانواده های این دو کولهبر نگران افزایش بدهی خود به بیمارستان هستند و گرنه وضعیت جسمی توفیق و عثمان چندان مناسب ترخیص نمی باشد. مدیران بیمارستان به خانواده این دو کولهبر گفته اند؛ بیمارانی که بر اثر اصابت گلوله از سوی نیروهای نظامی ایران مجروح و نیاز به درمان داشته باشند، مشمول طرح تحول سلامت نمی شوند.



تجمع اعتراضی کارگران هلدینگ توسعه نیشکر و صنایع جانبی در اداره تامین اجتماعی اهواز

کارگران هلدینگ توسعه نیشکر و صنایع جانبی در اعتراض به عدم تایید مشمولیت قانون سختی و زیان آور بودن شغلشان از طرف سازمان تامین اجتماعی و غیردولتی خواندن شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی در اداره تامین اجتماعی اهواز تجمع کردند. شرکت هلدینگ توسعه نیشکر و صنایع جانبی بزرگترین تولید کننده شکر کشور است که با ظرفیت سالانه ۷۰۰ هزار تن شکر سفید نیمی از شکر تولیدی کشور را تامین می کند.

اعتراض گروهی از کارگران فاز ۱۲ کنگان به شرایط نامناسب شغلی

جمعی از کارگران شاغل در واحدهای تعمیراتی پروژه های فاز ۱۲ کنگان در اعتراض به شرایط شغلی خود تجمع کردند. به گفته این منابع کارگری، این اعتراض صنفی از سه روز گذشته آغاز شده و دلیل آن نامشخص بودن وضعیت قراردادهای کاری، وضعیت نامناسب استراحتگاه ها و بی کیفیت بودن وعده های خوراک تدارک شده از سوی کارفرما، عنوان شده است. بنا به اظهار این منابع در راستای همین اقدام اعتراضی، کارگران معترض از خوردن وعده های غذایی توزیع شده نیز خودداری کرده اند. همچنین گفته شده، با گذشت دو ماه از سال جاری هنوز قراردادهای کاری کارگران منعقد نشده و مبلغ قراردادهای نیز از سال گذشته کمتر و به همین دلیل ناراحتی کارگران را به همراه داشته است.

تجمع اعتراضی کارکنان پتروشیمی پردیس

شماری از کارکنان مجتمع پتروشیمی پردیس نسبت به آنچه نادیده انگاشتن اصول ایمنی و سوء مدیریت گفته شد، دست به تجمع اعتراضی زدند. یکی از کارکنان اظهار داشت: با بروز حادثه هفته گذشته نشستی آمونیاک در فاز یک پتروشیمی پردیس و مصدومیت همکاران ما که تا سرحد مرگ پیش رفتند، خواستار برکناری مدیر مجتمع (تولید) هستیم. در تاریخ ۱۲ اردیبهشت (روز حادثه) با وجود نشستی شدید آمونیاک، اصرار بر راه اندازی باعث این حادثه شد. در این حادثه ۱۰ نفر از کارکنان آتش نشان و بهره بردار مصدوم شدند که ۶ نفر دارای مشکلات تنفسی شدند و ۴ نفر از آنان با گذشت ۵ روز از حادثه هنوز در بخش Icu بیمارستان های شیراز بستری هستند. این حوادث کاری ناگوار ناشی از نادیده گرفته شدن اصول ایمنی و سوء مدیریت که همواره افزایش میزان تولید را بر سایر مسایل در اولویت قرار می دهد، رخ داده است.

زندگینامه اسماعیل عبدی فعال صنفی معلمان

اسماعیل عبدی در سال ۱۳۵۴ در تهران به دنیا آمد و در اسلامشهر در نزدیکی تهران بزرگ شد. اسماعیل در ۱۳۷۲ دیپلم و از دانشگاه تربیت معلم سمنان فوق دیپلم ریاضی گرفته است و پس از آن به عنوان دبیر ریاضی در آموزش و پرورش اسلامشهر استخدام شد. عبدی در ۱۳۷۵ با منیر عبدی ازدواج کرد و به تحصیلات تکمیلی در مقطع کارشناسی ریاضی پرداخت و از تربیت دبیر حکیم فردوسی کرج تحصیلات کارشناسی ریاضی گرفت. از آغاز اشتغال به تدریس به فعالیت‌های صنفی پرداخت و در اولین انتخابات کانون صنفی معلم به عنوان عضو هیئت مدیره انتخاب شد. در ده سال گذشته بارها بازداشت شده است. همسرش منیر عبدی معماری خوانده است و سه فرزند به نام‌های مبینا و امیرحسین و ماندانا دارند.

فعالیت صنفی: از سال ۱۳۸۵ عضو فعال کانون صنفی معلمان ایران- تهران. از سال ۱۳۹۱ تا زمان بازداشت با نشریه پیام سنندیکا به عنوان دبیر سرویس معلمان به سردبیری میلاد درویش همکاری میکرد. در ۱۳۹۲ تهران ۳ بار میزبان شورای هماهنگی کانون‌های صنفی معلمان بود. در انتخابات دبیرکلی کانون که در آذر همان سال برگزار شد اسماعیل عبدی به عنوان دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران انتخاب شد. در همین سال در اعتراض به عملکرد صندوق ذخیره فرهنگیان همراه با نمایندگان ۱۹ تشکل از شورای هماهنگی، جلسیهی با آقای غندالی ترتیب داد و مراتب اعتراض شدید فرهنگیان را نسبت به عملکرد صندوق اعلام کردند. ۲۰ شهریور ۱۳۹۳ با حضور ۳۴ تشکل نمایندگان وزارتخانه در نشست شورا به سوالات معلمان پاسخ دادند که در این گفتگو اسماعیل عبدی و فاضل نماینده‌ی معلمان بودند. خرداد ۱۳۹۳ در نشست جهانی اتحادیه معلمان و کارکنان آموزش ترکیه اگی-تیم-سن (EGITIM-SEN) زیر نظر سازمان جهانی معلمان که در انکارا برگزار شد، به نمایندگی از شورای هماهنگی شرکت کرد. از سال ۱۳۹۳ از طریق هیئت بازگشایی برخی شعبات کانون راهاندازی شد و با تلاش‌های اسماعیل عبدی مراکزی مانند پاکدشت، رباط کریم و اسلام شهر و برخی شعبات مانند بروجرد، شاهرود و زرین‌دشت تاسیس شد. ۲ تیر ۱۳۹۴ به عنوان نماینده شورای هماهنگی برای حضور در اجلاس جهانی معلمان (کنگره ۷ در کانادا) قصد خروج از کشور را داشت که در مرز ارمنستان پاسپورت او توقیف شد و از مسافرت و شرکت او در این اجلاس جلوگیری به عمل آمد. این اجلاس هر ۴ سال یکبار با حضور معلمان از سراسر دنیا برگزار می‌شود. ۱۳۹۵ پس از ده سال ممنوعیت برگزاری مجمع عمومی بار دیگر اسماعیل عبدی با بالاترین رای در انتخابات مجمع عمومی کانون تهران به عنوان عضو هیئت مدیره انتخاب و دبیر کانون شد.

دستگیری و زندان: ۲۳ اسفند ۱۳۸۵ نزدیک وزارتخانه در حال حضور در تجمع اعتراضی به مدت یک روز بازداشت شد. ۲۶ شهریور ۱۳۸۶ در نشست شورای هماهنگی کانون‌های صنفی معلمان سراسر کشور، توسط پلیس امنیت، بازداشت و مدت یک روز در بازداشت بود. ۱۱ دی‌ماه ۱۳۸۷ توسط پلیس امنیت در دیدار نمایندگان کانون‌های صنفی معلمان سراسر کشور با نمایندگان فراکسیون اقلیت مجلس جلوی در اصلی مجلس بازداشت و یک روز بعد آزاد شد. ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ توسط وزارت اطلاعات با صدور قرار مجرمیت توسط قاضی شعبه یک اسلامشهر با نیابت قضایی غیرقانونی، تفتیش منزل و برداشتن لپ‌تاب، کامپیوتر، دفتر یادداشت و خاطرات و حبس در بند ۲۰۹ زندان اوین (۳۴ روز انفرادی و ۱۱ روز عمومی) و آزادی با ۵۰۰ میلیون تومان وثیقه. ۱۳۹۰ دادگاه انقلاب با ریاست قاضی پیرعباسی حکم ۱۰ سال زندان صادر شد که به مدت پنج سال به حالت تعلیق درآمد. این حکم با استناد به مواد قانونی ۵۰۰ و ۵۰۵ صادر شده است. ۶ تیرماه ۱۳۹۴ توسط قرارگاه ثارالله دستگیر و با گذراندن ۴۰ روز انفرادی و ۱۰ ماه بازداشت در بند ۷ و ۸ زندان اوین. اسماعیل عبدی در اعتراض به حکم خود، همزمان با هفته معلم سال ۱۳۹۴ با جعفر عظیمزاده دست به اعتصاب غذای نامحدود در بندهشت بازداشتگاه اوین روی آورد و با تشکیل ستادهای حمایتی گسترده معلمان و حمایت فعالین مدنی پس از ۱۶ روز با قید وثیقه ۳۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. دادگاه تجدید نظر در دو مرحله برگزار گردید و ۶ سال حکم زندان وی تایید شد. دستگیری مجدد ایشان در منزل صبح ۱۹ آبان ۱۳۹۵. اسماعیل عبدی معلم زندانی و فعال صنفی معلمان در بند ۳۵۰ زندان اوین از روز دهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ در اعتراض به عدم استقلال قوه قضاییه در «صدور احکام امنیتی» برای فعالان تشکل‌های صنفی معلمان و کارگران و با درخواست صریح «خروج روند پیگیری پرونده خود از حالت امنیتی به عادی»، دست به اعتصاب غذا زده است.

شهریه مدارس غیردولتی اعلام شد!

مدیرکل مدارس غیر دولتی وزارت آموزش و پرورش: مقطع ابتدایی ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان، دبیرستان ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار! شهریه اعلام شده به شهر تهران و استان‌ها شامل شهریه مصوب و فوق برنامه است و دریافت هرگونه وجه بیش از این مبالغ به هر اسمی تخلف است و طبق قانون جدید مبلغ اضافه به والدین بازگردانده می‌شود. نرخ شهریه مدارس غیردولتی برای سال تحصیلی آینده برای مقطع ابتدایی حداکثر ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان، دبیرستان‌های دوره اول ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان و برای دبیرستان‌های دوره دوم حداکثر ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است.

اعتصاب غذای محسن عمرانی در زندان بوشهر

محسن عمرانی، معلم بوشهری از تاریخ سیزدهم اردیبهشت ۹۶ در زندان این شهر در اعتراض به صدور و اجرای حکم حبس خود در اعتصاب غذا به سر می‌برد. یکی از اعضای تیم حقوقی مدافع آقای عمرانی با اعلام این خبر گفت: «کمتر از یک هفته قبل آقای عمرانی با بدرقه ی دانش آموزان گریانش راهی زندان شد.» به گفته این منبع آگاه، آقای عمرانی از فعالین صنفی است که در دادگاه بدوی با اتهامات «اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام» به ۶ سال حبس محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر با حضور امیر رئیسیان، حسین تاج و عادل مقدسی بعنوان وکلای آقای عمرانی با تیرئه از اتهام «اجتماع و تبانی علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری و دو سال انفصال از خدمت (شغل معلمی) تقلیل یافت. این وکیل مدافع در این باره تاکید کرد: «ایشان یکی از معلمان شریف استان بوشهر است که شخصیت با ارزشی داشته و تعهد کاری دارد. سوء تفاهمی برای ارگان‌های امنیتی پیش آمده و برای وی پرونده گشوده شد. ایشان به عنوان یک معلم، پیگیر وضعیت معلمان و کارگران و قشر ضعیف بوده. آقای عمرانی خواستار حقوق صنفی خود بوده و قصد ارتکاب جرمی را نداشته، اصلاً چنین روحیه‌ای ندارد.»

چرا فعالین نهادهای صنفی و مدنی اغلب ترجیح می دهند رای خود را پنهان کنند؟

در ایام نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری قرار داریم گروه های سیاسی و جناح های مختلف به پشتوانه ی حمایت مردمی صف آرای می کنند و هر کدام از کاندیداها و حامیانشان امید پیروزی در این کارزار سیاسی را دارند و برای نیل به هدف از هیچ کوشش فروگذار نیستند. فعالیت اصناف در چند دهه اخیر با فراز و فرودهایی همراه بوده است در سال‌های نخستین بعد از پیروزی انقلاب که میان گروه‌های مختلف سیاسی بر سر ساختارهای کلان اختلاف نظر وجود داشت، بحثی از پیگیری مطالبات با محوریت گرایش‌های صنفی در میان نبود. در این فضا مسائلی چون تشکیل سندیکا یا به رسمیت شناختن حق اعتراض برای کارگران و کارمندان و معلمان عملی منسوب به جوامع مارکسیستی تلقی می‌شد. فعالیت های مدنی و صنفی در دوره اصلاحات در شرایطی پا به میدان گذاشت و رونق گرفت که به عنوان بخشی از پروژه ای سیاسی جلوه کرد و در خدمت جناح اصلاح طلب قرار گرفت ولی نتوانست شروع خود را به سرانجام برساند.

از یک طرف نگاه نولیبرالی دولت مانع بزرگی بود که به اهمیت کار جمعی در نهادهای صنفی توجه کافی نشود. و از طرف دیگر برخی از نهادهای صنفی با طرح مطالبات زیادتز از ظرفیت و توان دولت و اصرار بر تحقق آنها، موجبات رویگردانی و عدم پذیرش توسط دولت را فراهم کرد و بعضاً برخوردهایی هم به قصد سرکوب انجام شد. در شرایطی که زمینه حذف و اضمحلال نهادهای مدنی فراهم گشت برخی نه تنها خود را و امدار اصلاحات ندانستند که برای بقا و ادامه حیات به جناح رقیب پیوستند و دسته دیگر که استقلال از جناح های سیاسی را در اولویت قرار دادند محکوم به توقف شدند تا اینکه در دوران اعتدال و امید دوباره مجوزهای نهادهای صنفی از وزارت صادر شد و ادامه فعالیت های نیمه کاره پیشین در شرایطی تداوم یافت که از سلطه گری احزاب و جناحهای سیاسی بیزارند. طبیعی است که رویکرد برخی تشکل های صنفی و نهادهای مدنی نسبت به فضای انتخاباتی اندکی محافظه کارانه و متفاوت باشد و از هیچ کاندیدایی بطور آشکار اعلام حمایت نکند. تجربه سیاسی در کشور ما نشان داده که عیان کردن رای برای حامیان سازمان یافته، هزینه ایجاد می کند. پس از انتخابات وقتی که پیروز انتخابات نامزد مورد نظر تشکل نباشد، توسط پیروز انتخابات و نیروهای حامی وی، به حاشیه خواهد رفت. تجربه اجتماعی نیز نشان داده ترس به حاشیه رانده شدن و خوف طرد سیاسی، دور از ذهن نیست، چرا که غالباً در دوران پسا انتخابات، شاهد تغییر اتوبوسی در نهادهای اداری، سیاسی و اجتماعی هستیم. لذا فعالان صنفی و مدنی سعی می کنند کنش را به عنوان فعل سیاسی اتخاذ کنند که کم ترین هزینه را برای آنها داشته باشد. از آنجایی که اعضای عادی و بدنه اصناف را طیف های مختلف جناحی و سیاسی دربر می گیرد و تنها اشتراکات شغلی آنها را گرد هم آورده لذا هر گونه جهت گیری و حمایت از جناح سیاسی خاصی موجبات نارضایتی و انزجار دیگر سلیقه ها و متعاقب آن ریزش بدنه ای خواهد شد که سرمایه اصلی صنف محسوب می شود.

اسماعیل عبدی؛

معلمان

پیاده نظام منافع جناحی دولت
و مجلس نیستند





آتنا دائمی فعال مدنی و حامی حقوق کودکان و زنان

عصیانگری که از بیان حقیقت نمی‌هراسد

فاطمه دائمی مشهور به «آتنا دائمی» در سال ۱۳۶۷ در تهران به دنیا آمد. آتنا دو خواهر نیز دارد. پدر و مادرش هر دو به شغل آزاد اشتغال داشتند. تا مقطع دبیرم درس خواند و به سبب مشکلات اقتصادی پدر،

به جای رفتن به دانشگاه، مشغول به کار شد و در باشگاه ورزشی انقلاب، در سمت منشی فعالیت کرد. او همچنین در کنار مادرش فعالیت‌های آرایشگری نیز انجام می‌داد تا اینکه با تعدادی از هم سن و سالان و دغدغه‌مندانی مانند خود در شبکه‌های اجتماعی آشنا شد؛ افرادی که گرایش‌های اعتراضی مشترکی داشتند و بر سر علانقی چون ترانه‌های «شاهین نجفی»، رپر معترض ایرانی گرد هم آمده بودند، علاقه‌ای که بعدها یکی از اتهامات او نیز شد! دائمی و دوستانش سعی کردند دغدغه‌های خود را در خیابان جاری کنند. با گروه‌های مختلف مدنی ارتباط گرفتند و حتی در برگزاری و برپایی تجمعات هم شرکت کردند؛ از جمله دو تجمع مربوط به اتفاقات کوبانی. این‌ها از جمله فعالیت‌های مدنی و حقوق بشری بود که آتنا دائمی در آن‌ها نقش اصلی داشت. حوزه مربوط به حقوق کودکان نیز از جمله دل‌مشغولی‌های اصلی آتنا بود و برپا کردن کلاس‌های آموزشی نقاشی یا نمایشگاه‌های نقاشی برای کودکان کار و خیابان، از جمله کارهایی بود که او در این حوزه انجام داد. پخش یک شب‌نامه در اعتراض به یک حکم اعدام نیز از دیگر فعالیت‌های آن‌ها بود. این فعالیت‌ها که به گفته یکی از دوستان و هم‌بندیان سابق آتنا دائمی، در عرض چندماه انجام شده بود، نگاه‌های سنگین امنیتی را متوجه او کرد و آتنا در مهر ۱۳۹۳ بازداشت شد و به بند دو-الف سپاه پاسداران منتقل شد.

بازداشت طولانی‌مدت و احکام سنگین قضایی: پس از چهار ماه زندان انفرادی و بازجویی‌های مداوم، نهایتاً در بهمن ۱۳۹۳ به بند زنان زندان اوین منتقل شد و در اسفند ۹۳ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی مقیسه محاکمه شد. حکم آتنا دائمی در اردیبهشت ۹۴ صادر شد. او به اتهامات «اجتماع و تبانی و فعالیت تبلیغی علیه نظام» به هفت سال، به اتهام «توهین به رهبری و مقدسات» به سه سال و به اتهام «اختلاف ادله جرم» به چهار سال زندان محکوم شد؛ یعنی ۱۴ سال زندان. حکمی بسیار سنگین و باورنکردنی که بر روی وضعیت جسمی آتنا دائمی نیز تاثیر منفی گذاشت. به دنبال اعتراض به این حکم و درخواست تجدیدنظر، در مرداد ۱۳۹۴ این پرونده در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تهران، مورد بررسی قاضی زرگر قرار گرفت. در مهر ۹۵ حکم دادگاه تجدیدنظر صادر شد و با شکستن حکم ۱۴ سال زندان، مجازات آتنا دائمی به هفت سال حبس کاهش یافت. آتنا دائمی که از بهمن ۱۳۹۴ و پس از ۱۶ ماه بازداشت موقت به قید وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی در بیرون از زندان به سر می‌برد، پس از صدور حکم از سوی دادگاه تجدیدنظر، در آذر ۹۵ با هجوم ماموران سپاه پاسداران به منزل پدری‌اش، بازداشت شد. خود او بعداً در نامه‌ای که از درون زندان منتشر شد، درباره چگونگی بازداشت خود برای اجرای حکم هفت ساله زندان می‌نویسد: «امروز ۶ آذر ۹۵ به خانه‌مان هجوم آوردند، نه در حال تجاوز به دانش‌آموزان بودم و نه در حال اختلاس و صدور حکم قتل و نه فراری، بلکه فقط خواب بودم! پدر و مادرم مسافرت بودند... در را باز کردیم و حکم خواستیم، حکمی نشان ندادند، گویی برای بازداشت یک جنایتکار فراری آمده بودند و به داخل خانه حمله کردند. مجدد از آن‌ها حکم خواستم که به سویم حمله کردند. زنی که شرم دارم نام او را زن بگذارم، اقدام به ضرب‌وشتم من کرد، وقتی خواهر کوچکترم دخالت کرد به سینه او هم کوبید.» او از زندان از این ماموران که وابسته به قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران بودند به علت «اعمال خشونت در هنگام بازداشت» شکایت کرد. آتنا دائمی اکنون در زندان بهسر می‌برد و در حال گذران حکم هفت ساله خود است. زنی جوان که طبق حکم دادگاه اسلامی باید حداقل شش نوزاد دیگر را در زندان بگذراند، در حالیکه از بیماری‌های مختلف رنج می‌برد. با این حال رسیدگی جدی به وضعیت او نیز انجام نمی‌گیرد. «مریم شفیق پور» که چند ماهی در زندان اوین، هم بند آتنا دائمی بوده است درباره برخی از مشکلات جسمی او می‌گوید: «آتنا مدت‌هاست دوبینی و سردرد دارد... قطعاً عدم رسیدگی به وضعیتش مشکلات جدی برایش به وجود می‌آورد... شنیدم چند روز قبل از تولدش، یک شب به‌کل آن چشمان خندان معصوم نابینا شده. بردنش بیمارستان، در حد نوشتن ام‌آر‌آی و بس! (در حالیکه باید بستری و مداوا شود.»

ترسی ندارم؛ پشیمان هم نیستم: آتنا دائمی از جمله مبارزان جوان ایرانی‌ست که پشیمانی و خستگی از راه صعب مبارزه با حکومت در او راهی ندارد. دائمی در گفتگوهای رسانه‌ای، خود را فردی معرفی می‌کند که «از بیان حقیقت» هراسی ندارد و از فعالیت‌های خود نیز «پشیمان» نیست. رفتارهای او نیز مویّد سخنانش است. او در ماه‌هایی که به قید وثیقه آزاد بود، در حمایت از تصمیم برخی شطرنج‌بازان خارجی که برگزاری مسابقات جهانی شطرنج در تهران و حجاب اجباری شطرنج‌بازان زن را تحریم کرده بودند، کمپینی راه انداخت و با ارسال نامه به فدراسیون جهانی شطرنج، سعی کرد این نکته را توضیح دهد که حجاب بخشی از فرهنگ ایرانیان نیست بلکه قانونی‌ست که از سوی حکومتی مذهبی بر زنان ایرانی و حتی غیرایرانی مستقر در ایران تحمیل شده است. او از فدراسیون جهانی خواست از جمهوری اسلامی بخواهد مسابقات بر اساس استانداردهای جهانی برگزار شوند. او همچنین در پیام ویدئویی که برای کمپین «پیش به سوی ورزشگاه‌ها» صادر کرد، «هیجان و شادی» را حق زنان ایرانی نیز دانست و با اشاره به تجربه شغلی خود در باشگاه ورزشی انقلاب، از حسرت خود برای فعالیت آزادانه ورزشی زنان گفت. اقتباس از وب‌سایت توانا

محمد صدیق کبودوند امروز جمعه بیست و دوم اردیبهشت ماه ۹۶ به قید کفالت آزاد شد



محمد صدیق کبودوند از دهم تیرماه سال ۱۳۸۶ بازداشت و زندانی شده بود. دادگاه انقلاب اسلامی تهران به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق تشکیل و اداره سازمان دفاع از حقوق بشر گوردستان وی را به ده سال حبس و از بابت تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی از طریق ارتباط و مراد به سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و ارتباط و مکاتبه با شخص کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل متحد و گفتگو با رسانه‌های عمومی به یک سال حبس و جمعاً به یازده سال حبس محکوم کرد که در شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ده سال حبس از بابت تأسیس سازمان، مورد تأیید قرار گرفته و قطعی شده بود.

کبودوند در پرونده مربوط به فعالیت روزنامه‌نگاری، به اتهام «تشویش اذهان عمومی از طریق درج مطالب در هفته‌نامه پیام مردم» توسط دادگاه عمومی و انقلاب سندانج به یک سال حبس تعزیری، ۵ سال محرومیت از روزنامه‌نگاری و مدیریت نشریه و ابطال پرونده انتشار پیام مردم محکوم شد که پس از تأیید در دادگاه تجدیدنظر استان تهران، میزان محکومیت حبس در دیوان عالی کشور به ۶ ماه تقلیل یافت. وی همچنین پرونده‌ای نیز مربوط به انتشار کتابچه‌ای در مورد زنان و نقض حقوق آنان در ایران، در دادگاه انقلاب آذربایجان غربی داشت که از این اتهام تبرئه شد... کبودوند عضو افتخاری انجمن قلم اتریش، انجمن قلم سوئد، انجمن قلم کاتالان و انجمن قلم سیدنی و همچنین روزنامه‌نگار سال بریتانیا در سال ۲۰۰۹ و برنده جایزه هلمت همت در سال ۲۰۰۸ است.

طاهره ریاحی را آزاد کنید

خانواده طاهره ریاحی، روزنامه‌نگاری که در هفتم بهمن ماه ۹۵ بازداشت شد، از دولت روحانی می‌خواهند که؛ اکنون که آقای روحانی شعار آزادی و حقوق شهروندی می‌دهد خوب است کسانی را که برای رای آوردن او در چهار سال پیش تلاش کردند را راحت فراموش نکند و حداقل مانند تلاشی که برای آزادی خواهرزاده‌اش کرد برای او هم تلاش کند و نشان دهد در عمل هم مثل حرف‌ها و شعار هایش درست رفتار می‌کند.

طاهره چهار سال پیش در کمپین و ستاد خبری آقای روحانی فعالیت می‌کرد چرا باید الان بلا تکلیف در زندان و سلول انفرادی باشد و حتی مصادیق اتهامش هم نامشخص باشد. وضعیت روحی این روزنامه‌نگار مساعد نیست و از زمان بازداشت تاکنون در سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ و بند ۲۴۰ زندان اوین بوده است؛ فقط چند روز به بند زنان زندان اوین منتقل شد که نمی‌دانیم به چه دلیل مجدداً به بند ۲۴۰ منتقل شد و اکنون با چهار نفر دیگر در یکی از سلول‌های بند ۲۴۰ است. طاهره ریاحی، روزنامه‌نگار و دبیر اجتماعی خبرگزاری برنا (خبرگزاری وابسته به دولت) هفتم دی ماه در دفتر خبرگزاری برنا از سوی مأموران وزارت اطلاعات به اتهام «تبلیغ علیه نظام» بازداشت شد. با این حال پس از گذشت چهار ماه و پایان بازجویی‌ها، نه تنها دادگاه او تشکیل نشده بلکه حتی هنوز به بند عمومی هم منتقل نشده است. یک منبع آگاه در گفتگو قبلی با در تاریخ کمپین ۱۲ بهمن ماه ۹۵ گفته بود که مصادیق و مستندات اتهام خانم ریاحی مشخص نیست. پیش‌تر گفته شده بود که در حین بازجویی به چشم چپ طاهره آسیب وارد شده است. یک بار هم قرار بوده این روزنامه‌نگار با قرار وثیقه ۳۰۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شود که علیرغم تودیع قرار وثیقه از سوی دادگاه، مشخص نیست به چه دلیل او تاکنون آزاد نشده است.

از هفتم دی ماه تا ۲۴ اسفند ماه، فعالین روزنامه‌نگار و سیاسی به نام‌های طاهره ریاحی، زینب کریمی‌ان، هنگامه شهیدی، احسان مازندرانی، مراد تقفی، رامین کریمی‌ان، مهسا رجعتی، مونا معافی، مهرک کریم پور عندلیبی و یک کارگردان و تهیه‌کننده سینما به نام صالح دلدن بدون اتهامات مشخص بازداشت شده‌اند که همگی آن‌ها همچنان در زندان اوین به سر می‌برند.

با آزادی مشروط مجید مقدم مخالفت شد

مجید عابدین زاده مقدم فعال مدنی و از شاهدین بازداشتگاه کهریزک، در بند هشت زندان اوین متحمل ۳ سال حبس خود است. مجید مقدم اولین بار در ۱۸ تیر ۱۳۸۸ دستگیر شد و از جمله محبوسین فاجعه کهریزک است که هم‌اکنون برای چندمین بار دوره محکومیت خود را در بند ۸ اوین می‌گذرانند. وی در آذرماه سال ۹۳ بازداشت و در دادگاه بدوی به ۶ سال و در دادگاه تجدید نظر این حکم به ۳ سال حبس تقلیل یافت. مجید عابدین زاده مقدم جهت تحمل محکومیت ۳ سال حبس، خود روز ۲۹ مهرماه ۹۵ جهت اجرای سه سال حکم حبس، کتبا احضار شده بود. «اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸»، «دیدار با خانواده کشته شدگان سال ۸۸»، «حمایت از زندانیان سیاسی و ملاقات با آن‌ها» و «بازگویی حوادث کهریزک از طریق مصاحبه با رسانه‌های آزاد»، از دلایل صدور حکم ۳ سال حبس این فعال مدنی در دادگاه انقلاب بوده است. مجید مقدم، پیش از این نیز به دلیل شرکت در اعتراض‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، توسط نیروهای لباس شخصی بازداشت و به بازداشتگاه کهریزک انتقال داده شده بود، وی در مصاحبه ای ویدیویی درباره این تجربه به تفصیل شهادت داده بود، مسئله ای که بی ارتباط به بازداشت مجدد وی نبود.

طرح مطالباتی فعالان زن در انتخابات

سهم ۳۰ درصدی می‌خواهیم

کنشگران مدنی جنبش زنان ایران طی یک بیانیه مطالبات خود را از نامزدهای دوازدهمین دوره ریاست جمهوری منتشر کردند. در بخشی از این بیانیه آمده که؛ در دوره‌های انتخاباتی پیشین، توجه کاندیداهای ریاست جمهوری به مطالبات زنان در برنامه‌ها، شعارها و تبلیغات انتخاباتی خود، هرچند به صورت نمادین، نشانگر فراگیری روزافزون این خواسته‌ها در جامعه ایران بوده است. اما آنچه که اهمیت دارد تحقق مطالبات به حق زنان است و کنشگران مدنی با تمام توان و همدلی، عملی شدن این مطالبات را تا رسیدن به جامعه‌ای برابر و به دور از تبعیض، پی‌گیری می‌کنند. بی‌شک مطالبات زنان تنها به این خواسته‌ها محدود نمی‌شود، اما ضمن توجه به اختیارات قوه مجریه، بخشی از آنها که فراگیر و قابل تحقق هستند در زمینه‌های اشتغال، موانع عرصه عمومی، حضور سیاسی و قوانین تبعیض‌آمیز جنسیتی به شرح ذیل اعلام می‌شوند.

اشتغال و مشارکت اقتصادی: امروزه زنان در حوزه اشتغال و بازار کار رسمی ایران سهمی کمتر از ۱۵ درصد دارند و عدم استقلال و نابرابری اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل تبعیض جنسیتی است. مهم‌ترین اقدامات موثر در راستای افزایش مشارکت اقتصادی زنان و بهبود شرایط اشتغال آنها: وضع قوانین و ایجاد سازوکارهای حمایتی در راستای فراهم کردن امکان دستیابی برابر تمامی زنان به بازار کار. ملزم کردن کارفرما به پرداخت دستمزد برابر به زنان و مردان در ازای کار یکسان.

سیاستگذاری و وضع قانون‌های حمایتی برای جلوگیری از طرد زنان از فعالیت‌های اقتصادی به بهانه بارداری، زایمان و دوران پس از آن. رفع تبعیض‌های شغلی که به صورت مضاعف بر سر راه زنان اقلیت‌های قومی و مذهبی، زنان کارگر و زنان فعال در اقتصاد غیر رسمی قرار دارد. رفع تمامی تبعیض‌های جنسیتی در انتخاب رشته‌های تحصیلی به عنوان پیش‌نیاز ورود زنان به بازار کار و لغو بومی‌گزینی در دانشگاه‌ها. برنامه‌ریزی ویژه برای حمایت از زنان کشاورز، روستایی و عشایر که طبق آمارها غالباً فعالیت اقتصادی خانواده و خانوار به دوش آنهاست. اختصاص تسهیلات ویژه درمانی، توانبخشی، خوداشتغالی، آموزشی و بیمه از کار افتادگی به زنان معلول و سالمند

قوانین تبعیض‌آمیز: اصلاح قوانین مدنی و مجازات اسلامی به منظور کاهش تبعیض‌های جنسیتی، از مهمترین مطالبات زنان در دهه‌های اخیر بوده که به رغم پیگیری‌های مستمر عموماً مورد بی‌توجهی قرار گرفته... برخی از مطالبات این حوزه به شرح ذیل است: اصلاح قانون مدنی در باب تعیین وصی، ارث، تابعیت، اقامتگاه، سن نکاح، تعیین شغل، حق طلاق و... برای زنان و اصلاح قانون مجازات اسلامی در مورد شهادت زن و... تجمیع قوانین موجود در زمینه مقابله با خشونت علیه زنان و تدوین و ارائه لایحه جامع تامین امنیت زنان در برابر خشونت.

مشارکت اجتماعی و حضور در عرصه‌های عمومی: لازمه مشارکت اجتماعی و حضور زنان در عرصه‌های عمومی، رفع موانع فرهنگی و قانونی بی‌شماری است که بر سر راه آنان قرار دارد. برخی از مطالبات این حوزه به شرح ذیل است: رفع محدودیت‌های موجود در حوزه عمومی برای زنان به ویژه توقف فعالیت گشت‌های ارشاد در سطح شهرها. رفع ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه‌ها. ایجاد فضای آزاد به منظور فعالیت مستقل نهادهای مدنی از طریق صدور مجوز برای کنشگران حوزه زنان و رفع نگاه امنیتی نسبت به این فعالیت‌ها.

حضور زنان در عرصه‌های ورزشی: در سال‌های اخیر، ورزش زنان با اقبال عمومی روبه‌رو بوده است و زنان ورزشکار با وجود انواع تبعیض‌ها و محدودیت‌ها موفقیت‌های متعددی را در سطوح ملی و جهانی کسب کرده و افتخار و سربلندی برای مردم ایران به ارمغان آورده‌اند... برخی مطالبات در این حوزه به شرح زیر است: افزایش بودجه ورزش زنان به منظور ارتقای سطح حرفه‌ای ورزشکاران زن و رفع نابرابری‌های موجود در ورزش‌های قهرمانی. تلاش برای رفع تبعیض از ورزش زنان در رسانه ملی و توجه ویژه این رسانه به مسابقات زنان در رشته‌های مختلف ورزشی. تلاش برای رفع موانع حضور زنان در مسابقات بین‌المللی از جمله محدودیت‌های مربوط به پوشش ورزشکاران زن و تصمیمات خارج از قانون و گاه گزینشی در این حوزه.

مشارکت سیاسی و حضور زنان در مناصب عالی: مشارکت سیاسی زنان همواره با سدهای متعدد فرهنگی و قانونی روبه‌رو بوده و رفع این موانع و شناسایی زنان توانا، کارآمد و متعهد در این حوزه ضروری است. مهم‌ترین مطالبات ما در این زمینه: انتصاب حداکثری زنان در سمت‌های ارشد سیاسی و مدیریتی از جمله فرمانداری، استانداری و معاونت. اختصاص حداقل ۳۰ درصد از کابینه دولت دوازدهم به وزرا و معاونان زن. بازگشایی دفاتر معاونت زنان در تمامی وزارتخانه‌ها باهدف نظارت بر عملکرد آنها در حوزه زنان و بررسی برون‌داد طرح‌ها و اقدامات وزارتخانه‌ها. ما امضا کنندگان این بیانیه انتظار داریم که دولت دوازدهم تا پایان دوران مسئولیت خود سهم ناچیز زنان را در بازار کار به بیش از دوبرابر آمار فعلی افزایش دهد. اختصاص حداقل ۳۰ درصد از کابینه به زنان توانا و برابری‌خواه، مطالبات حداقلی و به تعویق افتاده که لازم است در دولت آتی محقق شود. همچنین وظیفه خود می‌دانیم در چهارسال پیش‌رو بر عملکرد دولت در این حوزه نظارت کنیم و پیگیر مطالبات خود تا زمان تحقق کامل آنها باشیم.

احضارهای فله‌ای دانشجویان دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل

به تازگی چند تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، به دلیل شرکت در تجمع اعتراضی نسبت به عملکرد ریاست دانشگاه، به کمیته انضباطی احضار شده‌اند. همچنین براساس برخی اخبار غیررسمی، قرار است تعدادی دیگر از دانشجویان هم به همین دلیل به کمیته انضباطی احضار شوند. این احضارهای فله‌ای دانشجویان، در شرایطی انجام می‌شود که مسئولین دانشگاه، نه تنها به توافقنامه‌ای که خود پای آن را امضا نموده‌اند، پایبند نبودند بلکه حتی حق اعتراض به عملکردشان را نیز از دانشجویان این دانشگاه سلب می‌کنند. وقاحت این مسئولین تا آنجایی ادامه دارد که حتی اصل ۲۷ قانون اساسی که برگزاری تجمع در آن آزاد دانسته شده را نیز به سخره می‌گیرند. تمامی این کارشکنی‌ها و اقدامات مسئولین این دانشگاه، ناشی از یک چیز است: متأسفانه مسئولین دانشگاه نوشیروانی، این دانشگاه را جزیره‌ای دور افتاده و جدای از دیگر دانشگاه‌های کشور می‌دانند و گمان می‌کنند می‌توانند هر فعلی را در آن انجام دهند و در صورت اعتراض دانشجویان، با چماق حراست و کمیته انضباطی به استقبال آنان بروند. این بار اما فرق می‌کند. این بار اجازه نخواهیم داد تا با دانشجویانی که به دفاع از حقوق همصنفان خود پرداختند، برخورد شود. این بار اجازه نخواهیم داد تا با کسانی که نسبت به خلف و عده‌های مسئولین اعتراض داشتند، برخورد شود. حتی اگر تنها بمانیم، اجازه نخواهیم داد تا مسئولین جزیره نوشیروانی بار دیگر قانون اساسی این کشور را به سخره بگیرند و پس از آن با لبخندهای مصنوعی، خود را فردی نقدپذیر و دلسوز نشان دهند. این بار اجازه نخواهیم داد. حتی اگر تنها بمانیم. شورای صنفی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل

دانشجوی زندانی محروم شده از طی دوره درمانی با دخالت سپاه پاسداران

آرش صادقی کنشگر زندانی در بند ۳۵۰ زندان اوین همچنان به دلیل مخالفت نهاد سپاه پاسداران از اعزام به بیمارستان و رسیدگی پزشکی محروم است. صادقی که پس از اعتصاب غذای ۷۰ روزه و به دلیل «چسبندگی روده» دچار مشکلات عیدیه‌ای گردید، به شدت ضعیف شده است و همچنان از هضم مواد غذایی جامد ناتوان است. برای وی به دلیل فقر پروتئین، سرم پروتئین تجویز گردیده بود اما به دلیل اینکه تزریق این سرم نیاز به امکانات مناسب دارد که باید در بیمارستان انجام میشد اما تاکنون تزریق این سرم به خاطر عدم اعزام به بیمارستان انجام نشد. آرش صادقی فعال سابق دانشجویی، مدافع حقوق بشر و دانشجوی اخراجی دانشگاه علامه طباطبایی تهران به اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی، توهین به رهبری، فعالیت تبلیغی علیه نظام و نشر اکاذیب در فضای مجازی و تشکل گروه با اجرایی شدن حکم ۴ سال حبس تعلیقی مندرج در پرونده ۱۳۸۹ جمعا به ۱۹ سال حبس تعزیری محکوم شد. آرش صادقی برای اولین بار در ۱۸ تیر ماه ۱۳۸۸ در مقابل دانشگاه علامه طباطبایی تهران به همراه تعدادی از دانشجویان معترض به نتایج انتخابات ۱۳۸۸ توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت شد و پس از ۹۰ روز به قید کفالت آزاد شد. این فعال حقوق بشر اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ توسط اطلاعات سپاه بازداشت و پس از ۶ ماه حبس اسفند ماه با وثیقه ۶۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. زمانی که موقتاً از زندان آزاد بود، مأموران برای بازداشت وی به خانه‌اش یورش بردند که همین امر موجب سکنه و در نهایت فوت مادر آرش صادقی شد. آقای صادقی آخرین بار خردادماه ۱۳۹۵ در دادسرای شهید مقدس زندان اوین جهت اجرای حکم بازداشت شد. وی در آبان ماه ۱۳۹۵ در اعتراض به محکومیت و بازداشت همسرش گلرخ ابراهیمی ایرانی به مدت ۷۰ روز دست به اعتصاب غذا زد.

جنبش دانشجویی ایران در کدامین جایگاه استراتژی قرار دارد؟

پر واضح است که در طول ۳۸ سال گذشته جنبش دانشجویی ایران به خاطر اینکه از خود تعریف پیشاهنگی کرده نه پیشروئی، پیوسته گرفتار تله تضادهای جریان‌های مختلف درونی حکومت رژیم مطلقه فقهاتی تحت عنوان‌های مختلف و رنگارنگ شده است و در این رابطه در تحلیل نهائی او نتوانسته است تا استقلال خود را نسبت به این جریان‌ها و نسبت به این تضادها حفظ نماید... جنبش دانشجویی ایران باید بداند که جایگاه سیاسی او آنچنانکه پیشاهنگ نیست، پیشگام هم نمی‌باشد. چراکه اگر جنبش دانشجویی ایران رسالت خود را در عرصه جامعه امروز ایران تحت عنوان پیشگام تعریف کرد، این امر باعث می‌گردد تا او با فاصله گرفتن از جنبش خود، در لوای استراتژی دو مؤلفه‌ای افقی و عمودی دیگر جنبش نباشد، بلکه بدل به حرکت پیشگام بشود. فراموش نکنیم که تفاوت پیشرو و پیشگام این است که، پیشرو خودش جنبش است، اما پیشگام خودش جنبش نیست. رسالت‌اش سازمان‌گری جنبش‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر جنبش دانشجویی ایران با تعریف خود تحت عنوان پیشرو نه پیشاهنگ و نه پیشگام، قبل از هر چیز به این باور می‌رسد که یک جنبش است نه یک حزب و نه یک سازمان پیشگام و پیشاهنگ.

نشر مستضعفین شماره ۹۴- مقاله: پیشرو؟ یا پیشگام؟ یا پیشاهنگ؟ - قسمت پنجم

صفحه اقوام و اقلیت های مذهبی

مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان:

از خواسته های جامعه اهل سنت مشارکت در مدیریت کشور و تامین آزادی های مذهبی است

امام جمعه اهل سنت زاهدان همچنین بار دیگر این درخواست را تکرار کرد که اهل سنت در ایران اجازه داشته باشند نامزد انتخابات ریاست جمهوری شوند. قانون اساسی کشور به جز ریاست جمهوری در بقیه موارد بر مساوات و برابری بین اقوام و مذاهب تأکید دارد. البته تقاضای جامعه اهل سنت آن است که در این یک مورد هم تجدیدنظر صورت گرفته و (قانون اساسی) اصلاح شود. درخواست جامعه اهل سنت آن است که از شایستگان اهل سنت در رده های مختلف اعم از وزارتخانه ها، معاونین رئیس جمهور، معاونین وزیران، سفارتخانه ها و مدیریت های استانی کار گرفته شود. نباید بین شایستگان اقوام و مذاهب تفاوت وجود داشته باشد؛ این حق ملت ایران و مطابق قانون اساسی کشور است. خواسته ما آن است که فردی انتخاب شود که برای ملت ایران، به ویژه جامعه اهل سنت که با مشکلات بیشتری مواجه است، مفید و مؤثر باشد. نزدیک به ۴۰ سال از عمر جمهوری اسلامی ایران می گذرد و وقت آن رسیده است که بزرگان نظام دغدغه های جامعه اهل سنت را برطرف کنند. نباید بین ایرانیان اعم از شیعه و سنی تفاوتی وجود داشته باشد. مولوی عبدالحمید در سال های اخیر در مراسم و مناسبت های گوناگون درخواست رفع تبعیض شغلی از ایرانیان سنی مذهب را بارها تکرار کرده و در آذرماه ۹۵ در این باره گفت که به کارگیری اهل سنت در ادارات حتی در مناطقی با اکثریت ساکنان سنی «بسیار محدود است» و حتی در برخی از مناطق هیچ استفاده ای از شایستگان اهل سنت نشده است.

فشار بر رهبران مذهبی اهل سنت در آستانه انتخابات در ایران

دادگاه انقلاب زاهدان با ارسال ابلاغیه ای از مولوی فتحی محمد نقشبندی و پسرش حافظ عبدالغفار خواست که خود را به این مکان معرفی کنند. مولوی فتحی محمد نقشبندی و فرزندش حافظ عبدالغفار نقشبندی، زندانیان سیاسی سابق که با وثیقه های سنگین پنج میلیاردی از زندان آزاد شده بودند از سوی دادگاه انقلاب زاهدان برای روز سه شنبه ۱۹ اردیبهشت احضار شدند. از علت احضار این دو روحانی اهل سنت تا کنون اطلاع دقیقی در دست نیست. لازم به ذکر است، مولوی فتحی محمد نقشبندی امام جمعه شهرستان راسک و مدیر مدرسه دینی مفتاح العلوم است که پس از فعالیت های متعدد جهت رد طرح ساماندهی مدارس دینی بازداشت و با اتهام «ترور مولوی جنگی زهی» مورد «شکنجه و فشارهای متعدد» قرار گرفت و حکم زندان ۱۵ سال و تبعید برای وی صادر شد. نامبرده در تمام این مدت در فایل های صوتی و نامه های متعدد از زندان اتهامات مورد اشاره را «بی اساس» خوانده و خواستار جلسه ای علنی با حضور مسئولان و معتمدان برای روشن شدن ماجرا شده بود. که به هیچ کدام از درخواستهایش ترتیب اثر داده نشد. مولوی نقشبندی پس از چهار سال بلاتکلیفی در زندان مرکزی زاهدان و در اثر فشارهای مختلف و پیگیری های متعدد علما و معتمدان در نهایت با قرار وثیقه کم سابقه پنج میلیارد تومانی به همراه هم پرونده های خود آزاد شد.

بازداشت هشت شهروند در اهواز و شوش توسط نیروهای امنیتی

طی ماههای فروردین و اردیبهشت ماه سال جاری دست کم ۵ شهروند عرب اهل اهواز و شوش توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند. مورخ ۱۷ و ۱۹ اردیبهشت ماه سال جاری نیروهای اطلاعات سپاه چند تن از شهروندان ساکن منطقه زرگان شمال شهر اهواز را بازداشت کردند. هر چند گفته میشود این بازداشت ها پس از اقامه نماز میت به شیوه اهل سنت توسط این افراد و بالاگرفتن تنش در مراسم پس از حضور نیروهای محلی بسیج صورت گرفته است با اینحال هرانا تا زمان تنظیم این گزارش قادر به تایید صحت این ادعا و دلیل نهایی بازداشت این افراد نیست. هویت احراز شده تعدادی از بازداشت شدگان به شرح ذیل است:

۱- سعید زرگانی ۳۵ ساله.

۲- علی زرگانی ۲۷ ساله

۳- مهدی زرگانی ۳۰ ساله

۴- حسین مقطاعی (زرگانی) ۳۰ ساله

۵- اعتدال مقطاعی (زرگانی) ۴۰ ساله

در ادامه این بازداشت ها گزارش می شود مورخ ۲۳ اردیبهشت ماه، دو شهروند اهل منطقه ملاشیه اهواز به نام های «میثم خسرجی» و «رضا زویدات» توسط اداره اطلاعات اهواز بازداشت شدند. خانواده های این دو جوان از دلیل بازداشت و محل نگهداری فرزندان خود اطلاعی ندارند. پیش از این دو مرحله بازداشت، مورخ ۵ اردیبهشت ماه نیز یک شهروند ۲۱ ساله عرب به نام «حمود دبی» در شهر شوش بازداشت شده بود که تا زمان تنظیم این گزارش نیز از سرنوشت او اطلاعی به دست نیامده است.

طرح مطالبات اساسی و مشکلات اهل سنت

با تشکیل شورای راهبردی نخبگان سیاسی و مذهبی

نشست راهبردی روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت، به دعوت مولوی عبدالحمید روحانی سرشناس اهل سنت در زاهدان، برگزار شده و علما، دانشگاہیان و نخبگان سیاسی- اجتماعی اهل سنت از جمله نمایندگان کنونی و پیشین اهل سنت از چندین استان کشور در آن حضور داشته‌اند. در این نشست حاضران توافق کرده‌اند که شورایی «راهبردی» به نمایندگی از چهره‌های اهل سنت تشکیل شود تا به مذاکره با «نامزدهای اصلی دو جریان حاضر در انتخابات» به طرح مطالبات اهل سنت بپردازند. این شورا قرار است به تدوین «مطالبات اساسی و مسائل و مشکلات مهم جامعه اهل سنت» که تأکید شده «برخی از آنها با دغدغه‌های دیگر شهروندان ایران مشترک است» بپردازند و آن را مبنای مذاکراتشان قرار دهند.

برخوردارگی از حقوق شهروندی قومی و مذهبی، به‌ویژه اهل سنت

با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد!

جماعت دعوت و اصلاح در بخشی از این بیانیه انتخاباتی (شهر و روستا و ریاست جمهوری) به نخبگان سیاسی، کنشگران مدنی و عموم شهروندان آگاه و مسؤول آورده که:

... پس از گذشت قریب به چهار دهه از عمر نظام، به‌رغم تحقق دستاوردهای مطلوب در زمینه‌های گوناگون، میزان برخوردارگی شهروندان متعلق به هویت‌های قومی و مذهبی، به‌ویژه هموطنان اهل سنت، از حقوق شهروندی، با وضعیت مطلوب فاصله قابل توجهی دارد. در این زمینه موارد زیر به‌لحاظ اهمیت - نه بر سبیل حصر - قابل ذکر است:

برابری در منزلت اجتماعی و سیاسی متناسب با وزن جمعیتی شهروندان مورد توجه لازم قرار نگرفته است؛ قاعده بر این است مبنای توزیع مناصب و تصدی مسؤولیتها، «هویت ایرانی» و «شایستگی و کارآمدی» باشد.

توجه به توازن و تناسب هویت‌ها در ویتترین مدیریت ملی و محلی و عبور از برخی ملاحظات ایدئولوژیک می‌تواند در ارتقای هر چه بیشتر حسن تعلق شهروندان و تقویت همبستگی ملی، به‌مثابه‌ی راهبردی‌ترین سرمایه‌ی دفاعی و امنیتی کشور نقش حیاتی ایفا نماید. انتصاب استانداران، سفیران و وزیران اهل سنت، ترجمان شعار راهبردی «ایران برای همه ایرانیان» خواهد بود.

... توسعه‌ی پایدار ملی زمانی به‌صورت مطلوب تحقق و تداوم می‌یابد، که درونزا و متوازن باشد. ویژگی مشترک غالب استان‌های سنی‌نشین کشور، مرزی بودن و حضور شایسته در خط مقدم پاسداری از مرزها و حراست از تمامیت ارضی کشور است. شایسته است مرزنشینان در کنار مواجهه با مشکلات و سختی‌های مرزنشینی از نعمات و برکات آن نیز برخوردار باشند. لذا اهتمام به نیازهای توسعه‌ای، تأسیس مناطق ویژه‌ی اقتصادی و تقویت و گسترش بازارچه‌های مرزی و تبعیض مثبت، می‌تواند مقدمه‌ی کاستن از فاصله‌ها و زایل شدن حسن تبعیض باشد.

تحقق کامل عدالت آموزشی، در حوزه‌ی تعلیم و تربیت دینی، نیازمند اهتمام جدی به اصل دوازدهم و در حوزه‌ی زبان‌های قومی، مستلزم عمل به مفاد اصل پانزدهم قانون اساسی است. برابر تنمهی اصل دوازدهم، پیروان مذاهب حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند.

بر همین اساس ضروری است در مناطقی که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب انجام گیرد.

عدالت رسانه‌ای و برخوردارگی مساوی هویت‌های گوناگون کشور از رسانه، ضمن تقویت شناخت متقابل و فراهم کردن زمینه‌ای برای نمایش جلوه‌های زیبای تنوع و تعدد قومی، مذهبی و دینی، موجب تقویت همبستگی و وفاق ملی خواهد شد.

هرچند مطالبات شهروندان اهل سنت منحصر به موارد فوق نمی‌باشد، اما درونمایه‌ی مشترک غالب این مسائل، سیطره‌ی نگاه امنیتی به مسائل هویتی است. شایسته است نگاه دولتمردان و سیاست‌ورزان، به‌جای سوبیه‌های امنیتی بر نگرش‌های کارشناسی استوار گردد و به تنوع قومی و مذهبی موجود در کشور به دید فرصت‌نگریسته شود.

... تأکید بر عقلانیت و میانروی در سیاست خارجی و پرهیز از تعصب، تفرقه و اختلاف‌افکنی در داخل و همچنین نشر و تقویت فرهنگ دگرپذیری و رواداری، به‌منظور حفظ امنیت و ثبات کشور، رویکردی راهبردی است.

... اهمیت شوراهای شهر و روستا در تحقق حاکمیت محلی و مشارکت مستقیم شهروندان در مدیریت شهرها و روستاها بر کسی پوشیده نیست. تقلیل دادن نهاد شورا به هیأت‌مدیره‌ی شهرداری‌ها، اجحاف به ظرفیت قانونی آن و تضییع فرصت نقش‌آفرینی شهروندان در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی است. بر این اساس ضرورت دارد ترکیب شوراها را به‌گونه‌ای برگزینیم که برآیند دانش، تخصص و مسؤولیت‌پذیری آنان، امکان ارائه‌ی فعالیت تیمی منسجم را با رویکرد مدیریت عمرانی، فرهنگی و اجتماعی میسر نماید.